

پیشران‌های تغییر در سبک زندگی خانواده ایرانی

• سهراب هاشمی‌نژاد^۱، محمدرحیم عیوضی^۲

چکیده

خانواده یکی از کلیدی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تقریباً در تمامی ابعاد و مؤلفه‌هایش - از ماهیت شکل‌گیری و مفهوم گرفته تا ساختار، نقش و کارکردهای درونی و بیرونی - در طول تاریخ و در جوامع مختلف دستخوش تحولات متعددی قرار گرفته است. هرچند روندهای همسویی در خصوص تغییرات خانواده در سراسر جهان مشاهده می‌شود، اما نوع، سرعت و میزان غالب تغییر و تحولات مؤلفه‌های مربوط به خانواده در جوامع مختلف یکسان نبوده و به بسیاری از عوامل تاریخی، اقتصادی، فناوری، اجتماعی و فرهنگی بستگی داشته است. شناسایی تحولات این حوزه، روندهای موجود و پیشران‌های تأثیرگذار بر تحولات آتی این نهاد نه تنها برای سیاست‌گذاران بلکه برای بسیاری از نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار ارزشمند است. در این مقاله، با مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق، تغییرات خانواده ایرانی از حیث ماهیت، ساختار، کارکرد و سبک زندگی در طول نیم قرن گذشته دسته‌بندی و توصیف شده‌اند و مؤلفه‌ها و پیشران‌های عمده تأثیرگذار بر تحولات آتی این حوزه شناسایی شده‌اند. آگاهی از پیشران‌های شکل‌دهنده آینده گام مهمی در ارزیابی هزینه‌منفعت مفاد طرح‌هایی است که قرار است مبنای خط‌مشی‌گذاری در سطوح مختلف قرار گیرند.

واژگان کلیدی

خانواده، تحولات خانواده، پیشران‌های تغییر، تغییر ساختار خانواده، تغییر کارکرد خانواده، سبک زندگی خانواده.



مقدمه

خدای متعال خانواده را مهم‌ترین رکن اجتماع و نهاد تربیتی قرار داده است، به‌گونه‌ای که، هم از نظر تکوینی و هم از نظر تشریحی، عمده شخصیت انسان در بستر خانواده شکل می‌گیرد. خانواده از لحاظ نحوه شکل‌گیری، ابعاد، ساختار، کارکرد و سبک زندگی، در طول تاریخ در جوامع مختلف، دستخوش تحولات زیادی قرار گرفته و هم از جامعه تأثیر پذیرفته و هم بر آن تأثیر گذاشته است. با مروری بر تاریخ خانواده در ادوار مختلف، از زمان انسان‌های بدوی گرفته تا دوران مدرن و پست‌مدرن، شاهد تغییراتی بنیادی در این نهاد هستیم که برخی از آن‌ها موجب تحکیم و انسجام خانواده و برخی نیز سبب تضعیف و حرکت به سمت فروپاشی آن شده است. نهاد خانواده در ایران در معرض توأمان سنت‌گرایی و مدرنیسم قرار گرفته و تحت فشار و تأثیر از سوی هر دو فرایند است. مدرنیسم از طریق تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی هدایت شده و جهانی‌شدن (به‌طور ارادی و غیرارادی) به سرعت و جدیت بر ساختار و مسائل خانواده ایرانی مؤثر است و، از سوی دیگر، فرهنگ و سنت‌های بومی و دینی (مانند هنجارها، سنت‌ها، میراث فرهنگی، مذهب، نظام اخلاقی و...) به شدت بر ارکان خانواده تأثیرگذارند (حاجیانی و اخلاقی، ۱۳۸۹).

از جمله تغییراتی که در ساختار زندگی خانواده‌ها به وجود آمده تغییر در ابعاد و اندازه خانواده و نقش هریک از اعضا و ارتباطاتی هستند که اعضا به واسطه نقش جدید و شرایط جدید با یکدیگر دارند. ابعاد خانواده، نقش زن در خانواده، نقش کودکان، نقش پدر، میزان تعاملات و ارتباطات اعضای خانواده با یکدیگر و... در حال تغییرند و بدیهی است با تغییر نقش‌ها، بخشی از کارکردهای خانواده مختل می‌شود. فرزندان، به‌ویژه فرزندان ذکور که در گذشته از منابع اقتصادی خانواده محسوب می‌شدند، اکنون به منبعی برای صرف هزینه تبدیل شده‌اند؛ نقش تعیین‌کننده و انحصاری مرد در معیشت از میان رفته و قدرت چانه‌زنی زنان با اشتغال به کارهای خارج از خانه افزایش یافته است. در گذشته تربیت فرزندان از کارکردهای خانواده بوده، در حالی که در عصر حاضر بسیاری از کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی سپرده شده و بدین رو، میزان و نحوه ارتباطات میان اعضای خانواده نیز دستخوش تغییر و تحولات شده است.

بررسی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰ رشد چشمگیری در زیست‌های تک‌نفره، که تقریباً هیچ ارتباط خانوادگی‌ای با دیگران ندارند و مجردی زندگی می‌کنند، نیز به وجود خواهد آمد. همچنین تمایل به فرزندآوری نیز رفته‌رفته کاهش خواهد یافت. پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۳۰ بسیاری از خانواده‌ها فاقد فرزند باشند؛ یعنی رفته‌رفته، به جای کودکان، بزرگ‌سالان کانون اصلی خانواده را شکل خواهند داد؛ چرا که به ندرت کودکی متولد خواهد شد (Oeed, 2008).

شناخت تحولات و تغییرات به وجود آمده برای خانواده‌های ایرانی و نیروهای عمده به وجود آورنده این تغییرات، که همان پیشران‌های ایجادکننده این تغییرات هستند، کمک مؤثری به سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان سطوح کلان کشور خواهد کرد. چنانچه تصمیم‌گیرندگان اصلی، یعنی واضعان قوانین در نهادهای قانون‌گذار، شهودی یا با توجه به تجارب زیسته خود، برای حل مسائل روز و به‌ویژه آینده بر موضوعاتی تمرکز کنند که سهم کمی در ایجاد مسئله داشته‌اند، فرصت و هزینه‌های کلانی را تلف خواهند کرد که نمونه‌های آن در طول تاریخ بسیار است. از این رو، آگاهی از پیشران‌های تحول‌آفرین در موضوعات مربوط به خانواده از ملزومات سیاست‌گذاری صحیح و دقیق است. هدف اصلی پژوهش پیش رو رصد تغییر و تحولات خانواده ایرانی و پیشران‌های عمده شکل‌دهنده به تحولات آتی این حوزه برای مواجهه بهتر و اخذ تصمیمات سیاستی شایسته در این حوزه است. پرسش اصلی پژوهش نیز متناسب با این هدف مطرح شده است.

- خانواده ایرانی چه تغییر و تحولاتی را در طول نیم قرن گذشته تجربه کرده و چه مؤلفه‌هایی بر روندهای آینده این نهاد تأثیرگذارند؟

پاسخ‌گویی به این پرسش پرسش‌های دیگری را نیز رقم می‌زند؛ از جمله این‌که تغییرات در چه ابعادی صورت گرفته‌اند؛ روند تغییرات در طول چند دهه گذشته در خصوص خانواده‌های ایرانی به چه صورت بوده و تا چه حد این خانواده‌ها از سبک زندگی جوامع غربی الگو گرفته‌اند؛ پیشران‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری این تغییرات و تحولات آتی این حوزه کدام‌اند. در این پژوهش، پس از رصد پژوهش‌های موجود در خصوص تحولات خانواده ایرانی، پیشران‌های اثرگذار بر تحولات آینده این حوزه با مصاحبه و نظرسنجی از خبرگان شناسایی و ارائه شده‌اند. به‌علت اثرگذاری فناوری‌های نوین و روندهای ارتباطی در جهت ایجاد وحدت رویه نسبی در نگرش‌ها و رفتار جامعه ایرانی و انتظار هم‌گرا شدن برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی در تمام مناطق ایران، عمده تغییرات به وجود آمده در کلان‌شهرها مد نظر قرار گرفته‌اند. داده‌ها و نتایج حاصل مربوط به سال ۱۳۹۶ و نیمه اول سال ۱۳۹۷ است.

پیشینه پژوهش

نهاد خانواده، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، وسیله‌ای است برای رسیدن انسان به آرامش، تکامل دین‌داری و تداوم نسل‌ها. خانواده یکی از نیروهای هنجاری جامعه تلقی می‌شود که تقویت آن افزایش انسجام اجتماعی را، که پیش شرط ضروری توسعه و سازندگی اجتماعی است، موجب می‌شود. تحولات جوامع و به‌خصوص سرعت فزاینده این تغییرات و تأثیر این تغییرات در ساخت و کارکرد خانواده آن را به یکی از مناقشه‌آمیزترین بحث‌های

سیاست مدرن درآورده است، به طوری که مقولاتی مانند آینده خانواده، ازهم‌گسیختگی خانواده و اشکال مدرن آن به مهم‌ترین دغدغه ذهنی نه‌تنها اندیشمندان علوم اجتماعی بلکه تمام رشته‌های مرتبط با این نهاد اجتماعی تبدیل شده‌اند.

هدف پژوهش پیش رو شناسایی تغییر و تحولات خانواده ایرانی و پیشران‌های تأثیرگذار بر روندهای آتی این حوزه است. برای تحقق این هدف، بررسی ادبیات موضوع و واکاوی برخی از مفاهیم از جمله خانواده، متغیرهای این مقوله و روند تحولات در هریک از متغیرها اولین گام در پژوهش پیش روست. بدین منظور، در بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع، علاوه بر پیشینه پژوهش، رویکردهای موجود نسبت به تحولات حوزه خانواده، ویژگی‌های خانواده و تغییرات آن در گذر زمان، ادبیات مربوط به سبک زندگی و مؤلفه‌هایش به ویژه در مقوله خانواده آورده شده است.

مبانی نظری پژوهش

خانواده و مؤلفه‌هایش

خانواده اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای بی‌بدیلی در جامعه دارد. اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و افراد پیوند میان خانواده و اجتماع هستند. بنابراین خصوصیات، ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی که در کودکی و درون خانواده در وجود شخص نهادینه شده‌اند در عملکرد افراد در اجتماع تأثیرگذارند و سلامت جامعه به سلامت سلول‌های بنیادینش، که همان خانواده‌ها هستند، گره می‌خورد. خانواده و مؤلفه‌های شکل دهنده آن در طول تاریخ با فرازونشیب‌های زیادی همراه بوده‌اند. گاه خانواده نقش بازیگر اصلی را در تمامی مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایفا کرده و محور تمام سیاست‌گذاری‌های کلان قرار گرفته و گاهی آن قدر به حاشیه رفته که برخی از به اصطلاح متجددین و روشن‌فکران برای تمامی کارکردهایش مدل جایگزین ارائه کرده‌اند و فروپاشی یا نبود آن را در آینده نه‌تنها امکان‌پذیر بلکه محتمل دانسته‌اند. با این حال، آنچه در حال حاضر مسلم است وجود این نهاد اجتماعی در تمامی جوامع، البته با شدت و ضعف در کارکردها و وجود ساختارها و سبک زندگی‌های متنوع و متفاوت، است.

ساختار خانواده (اجزا، نقش و روابط میان آن‌ها)، نیازهای خانواده (ورودی‌ها)، کارکردهای درونی و بیرونی خانواده (خروجی‌ها و محصولات)، سبک زندگی خانواده (عملکردها و فرایندهای داخلی) و ارزش‌های خانوادگی (مقاصد و اهداف) از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌های خانواده هستند. تحولات در خانواده را می‌توان از طریق شناسایی تغییر و تحول در هریک از این مؤلفه‌ها دنبال کرد. همچنین اگر آینده‌های مربوط به هریک از این مؤلفه‌ها شناسایی و بررسی شوند، آینده‌های بدیل خانواده شناسایی و بررسی شده‌اند. البته باید توجه داشت که این مؤلفه‌ها مستقل از یکدیگر نیستند و باید نظام‌مند بررسی شوند.

رویکردهای موجود به تغییر و تحولات نهاد خانواده

پژوهش‌ها درباره تغییرات در خانواده ایرانی عموماً در سه جهت حرکت کرده‌اند: دسته اول پژوهش‌هایی هستند که بر تغییرات ویژگی‌های کارکردی یا ساختاری خانواده متمرکز هستند. دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که با نگاه آسیب‌شناختی به مسائل مربوط به خانواده پرداخته‌اند. دسته سوم پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که تغییرات و تحولات خانواده را در ابعاد مختلف از جمله شیوه‌های همسرگزینی، علل فروپاشی، ساختار اقتدار، نوع و بُعد خانواده رصد کرده‌اند (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۲).

در موضوع خانواده، اغراق سکه رایج بحث‌های عمومی است. مسابقه «پایان خانواده»، از یک سو، میان مثبت‌اندیشانی در جریان است که پیروزی «فردگرایی» و ظهور «رابطه‌های خالص» را می‌ستایند و، از سوی دیگر، بین منفی‌اندیشانی رایج است که سوگوار انحلال جامعه، افت جمعیت و بازگشت عصر یخبندان هستند. در ایران نیز جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، سیاست‌مداران و دیگر گروه‌های اجتماعی، هرکدام به زعم خود، در مورد تغییر و تحولات حوزه خانواده و پیش‌بینی آینده آن به اظهار نظر پرداخته‌اند. برخی از اندیشمندان صرفاً با توجه به تحولات خانواده در غرب و روند رو به اضمحلال آن در برخی از کشورهای امریکایی و اروپایی بحران‌های شدیدی را برای این نهاد پیش‌بینی کرده‌اند و سخن از دگرگونی و تزلزل آن به میان آورده‌اند. گروهی نیز، با خوش‌بینی مفرط، تحولات موجود را ملازم با مدرنیته دانسته‌اند و تحولات خانواده را طبیعی جلوه داده و از بقای خانواده در آینده با اطمینان سخن گفته‌اند. سایر صاحب‌نظران دیدگاه‌هایی همراه با شک و تردید در میان این دو طیف داشته‌اند. در حقیقت، خانواده در عصر حاضر محصول فرایند بلندمدت تغییراتی است که طی سه قرن اخیر روی داده‌اند. این تغییرات پایان ندارد و خانواده همواره در میان تغییراتی است که دائم و مستمر به وقوع می‌پیوندند (زمانیان، ۱۳۸۷).

بی‌شک جریان‌های فمینیستی یکی از جریان‌های اثرگذار بر تحولات خانواده هستند که اشکال متنوعی یافته‌اند. جنیفر سامرویل، رئیس دانشکده مطالعات علوم اجتماعی و زیست‌محیطی در دانشگاه لندن، در کتاب فمینیسم و خانواده؛ سیاست و جامعه در ایالات متحده و بریتانیا روند تاریخی تحولات جنبش‌های فمینیستی در غرب و آسیب‌شناسی جالبی از این تحولات را، از جمله تعارض تاریخی میان خانواده و موضوع برابری زنان، ارائه می‌کند. گیدنز معتقد است امروزه نقش‌های تعریف‌شده در خانواده سنتی تغییر کرده‌اند و خانواده دیگر نهادی شفاف با نقش‌های ثابت زن و مرد تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر، خانواده جدید واحد تولیدی محسوب نمی‌شود، بلکه واحدی مصرفی است که هزینه‌های سنگین پرورش فرزندان تصمیم‌گیری درباره داشتن فرزند را بسیار حساس و پیچیده کرده است. همچنین

تغییر در ساختار قدرت و افقی شدن این هرم ساختار جدیدی به خانواده‌ها بخشیده که راه آن را از خانواده سنتی جدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴). مانوئل کاستلز تصریح می‌کند که خانواده معاصر در معرض چند تحول جدی است. نخست، تغییر نقش و روابط متقابل همسران با یکدیگر و اشتغال زن در خانواده معاصر که قدرت چانه‌زنی و تجارب اجتماعی زنان را افزایش داده است. دوم، تغییر روابط والدین و فرزندان که به کاهش اقتدار والدین منجر شده و فاصله میان آنها را تعمیق بخشیده است. تحول دیگر جدایی از شبکه خویشاوندان و در نتیجه افزایش احساس تنهایی در بین اعضای خانواده است که این امر به شدت متأثر از صنعتی شدن، شهرنشینی، تقسیم کار و رواج ازدواج‌های برون‌گروهی است. به بیان کاستلز، صنعتی شدن، مهاجرت، شهرنشینی و تحول در نگرش‌ها چهار عامل اصلی تحول در خانواده هستند (قاسمی، ۱۳۹۶، به نقل از کاستلز، ۱۹۴۲).

لیبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، در کتاب خانواده‌ها در قرن بیست و یکم؛ از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی آخرین وضعیت خانواده‌ها در دنیای غرب و شرق را بیان می‌کند. لیبی در این کتاب به علل تضعیف ارزش‌های دینی و تغییر سبک زندگی خانواده‌ها پرداخته و معتقد است با بازتعریف ارزش‌های اخلاقی می‌توان نتیجه گرفت که اعتقادات دینی در ایران هنوز هم عمیق است و در برخی موارد فقط شکل آن تغییر کرده است. زیبایی‌نژاد در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده در ایران»، ضمن اشاره به تحولات در ساختار و کارکرد خانواده‌ها، علی‌مانند گفتمان موجود را که حاکمیت آن به ناکارآمدی و تزلزل خانواده می‌انجامد و رویکردی که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های مالی وجود دارد و نتیجه آن کاهش پایایی و پویایی خانواده است از جمله مهم‌ترین عناصری می‌داند که موجب نگرانی در خصوص آینده خانواده در ایران شده‌اند. وی، با اشاره به نظریه‌های علوم اجتماعی در زمینه خانواده و جریان‌هایی همچون فمینیسم، منشأ تمام آن‌ها را مدرنیته دانسته است و روح حاکم بر مدرنیته را سرمایه‌داری و شاخص مهم مدرنیته را تغییر می‌داند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸).

آزاد ارمکی در کتاب تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی، ضمن بیان مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با خانواده، به وضعیت کنونی خانواده ایرانی در ابعاد مختلف آن و چالش‌ها و مسائل جاری و آتی آن از جمله روند دگرگونی ساخت و کارکرد خانواده‌های شهرنشین پرداخته و با بررسی ریشه‌های تاریخی و بستر اجتماعی و معرفتی تبدیل و تحول خانواده سعی کرده تصویر روشنی از وضعیت کنونی نهاد خانواده ارائه کند و در پی آن بتواند چشم‌انداز دقیق‌تری برای آینده خانواده ایرانی متصور شود. نجفی رستاقی و خالقی‌پور (۱۳۹۵) مسئله

ساختارهای نوین خانواده را به روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها تحلیل و بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های ساختار خانواده در آینده در لایه‌های عینی، سیستمی و گفتمانی بررسی شده است. در لایه گفتمانی با رویکرد آینده‌محور، تحلیل علی در سه محور مدرنیته، پسامدرنیته و رویکرد دینی صورت گرفته است.

عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در مقوله خانواده را می‌توان در چهار دسته شامل ماهیت و ساختار، کارکرد، ارزش‌ها و بینش‌ها و سبک زندگی قرار داد. البته هم‌پوشانی‌هایی هم بین این موارد به‌ویژه در سبک زندگی با سایر موارد وجود دارد، اما اکثر جامعه‌شناسان وقتی از تغییر و تحولات حوزه خانواده صحبت می‌کنند عموماً از همین قالب‌ها استفاده می‌کنند.

۱. تحولات ساختاری خانواده

متناسب با ساختار سیستم که شامل تعداد اجزای آن، نقش هرکدام از اجزا و ارتباطات میان اجزاست، در مورد خانواده نیز ساختار خانواده با توجه به افراد تشکیل دهنده خانواده، نقشی که ایفا می‌کنند و رابطه‌ای که با یکدیگر دارند مشخص می‌شود. بسیاری از محققان برای دسته‌بندی و ذکر انواع خانواده تمایزات ساختاری را مد نظر قرار می‌دهند. مطابق با اجماع نظری که در این خصوص شده است، متداول‌ترین انواع خانواده از حیث ساختار عبارت‌اند از گسترده، هسته‌ای (شامل هسته‌ای کامل، هسته‌ای ناقص و هسته‌ای پیوسته کامل یا ناقص)، تک‌والدینی^۱ و الگوهای جایگزین خانواده (مانند هم‌باشی‌های بدون ازدواج، زوج‌های هم‌جنس، زیست‌تجددی، چندشوهری، کمون‌ها یا اجتماعات اشتراکی (زیست‌جنسی چند زن با چند مرد فارغ از حس مالکیت و رقابت) و ...).

بیورن برگ در خصوص تغییرات خانواده غربی به الگوی نوظهوری اشاره می‌کند که شامل کاهش نرخ موالید، تأخیر در ازدواج، بالا رفتن سن والدین به هنگام تولد اولین فرزند، وجود فرزندان کمتر در هر واحد خانوادگی، رشد میزان طلاق، خانواده تک‌والدی و هم‌بالینی، افزایش تعداد موالید خارج از چارچوب ازدواج و میزان کار دستمزدی زنان است (برناردز، ۱۳۸۴).

با نگاهی کلی به تحولات ساختاری خانواده در چند قرن گذشته، ارتباط تنگاتنگی میان ساختار خانواده با کارکردهای اقتصادی و اجتماعی آن مشاهده می‌شود. قبل از انقلاب صنعتی هر جا که کشاورزی رواج می‌یافت، مردم به زندگی در خانواده‌های چندنسلی تمایل پیدا می‌کردند و نیاز اقتصادی مردم با شکل‌گیری چنین خانواده‌هایی بهتر مرتفع می‌شد. در آن دوران، طلاق رواج نداشت و امری مذموم به حساب می‌آمد، اما ازدواج‌های مجدد و چندمسری به وفور دیده می‌شد. با انتقال اقتصاد از مزرعه به کارخانه و مهاجرت به شهرها،

خانواده‌ها برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و تأمین مایحتاج خود کوچک و کوچک‌تر شدند و بدین ترتیب خانواده‌های هسته‌ای گسترش یافتند. در خانواده هسته‌ای رشد جمعیت روندی کاهشی دارد و شبکه‌های خویشاوندی تأثیر خود را از دست داده‌اند (اعزازی، ۱۳۷۶). اکنون در دنیای مدرن شاهد پیدایش شکل‌های جدیدی از زندگی هستیم: افرادی که به‌تنهایی و خارج از خانواده زندگی می‌کنند؛ افرادی که پیاپی ازدواج می‌کنند و جدا می‌شوند؛ زندگی‌های مشترکی که بدون ازدواج آغاز می‌شود؛ زوج‌هایی که شیوه زندگی بدون فرزند را برمی‌گزینند؛ ازدواج‌های گروهی؛ ازدواج با هم‌جنسان؛ و اشکال دیگر خانواده. به باور برناردز (۱۳۸۴)، مشخص‌ترین ویژگی ازدواج در آینده دقیقاً این است که برای افرادی که از رابطه‌شان با یکدیگر انتظارات متفاوتی دارند راه‌های مختلفی وجود دارد. اینکه کدام‌یک از اشکال خانواده‌های ذکرشده در آینده رواج پیدا می‌کند در گرو تصمیماتی است که در مورد فناوری و شیوه کار اتخاذ می‌شوند.

۲. تحولات کارکردی خانواده

ویلیام آگبرن^۱ و کلارک تیبیتس^۲ در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اساسی خانواده را مورد تأکید قرار داده‌اند که عبارت‌اند از تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عسوفت و همراهی، و تأمین پایگاه اجتماعی (بستان، ۱۳۸۳، به نقل از شافر^۳، ۱۹۸۹). استین هاور و همکارانش فرایند کارکرد خانواده را در پنج بُعد شامل انجام وظیفه، ایفای نقش، ارتباطات، دخالت عاطفی و کنترل مطرح کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۸). بستان، علاوه بر کارکردهایی که آگبرن برای خانواده مطرح کرده، مواردی از جمله آموزش، تربیت دینی، تأمین پدر مشروع، کنترل اجتماعی، تأمین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذران اوقات فراغت، رشد و تثبیت شخصیت، و ایجاد تغییرات اجتماعی را از جمله کارکردهای خانواده برشمرده است (بستان، ۱۳۸۳).

تغییر در ارزش‌های خانوادگی، مناسبات اقتصادی و سیستم‌های اجتماعی تأثیرات گسترده‌ای را بر روند کارکردی خانواده گذاشته‌اند. هرچند میزان و سرعت این تغییرات در تمامی جوامع یکسان نیست، اما روند روبه‌رشد پیشرفت در فناوری‌های نوین ارتباطاتی، اطلاعاتی و تجهیزاتی و گسترش مدرنیته در جوامع مختلف سبب ایجاد هم‌گرایی در تغییر و تحولات حوزه کارکردی خانواده در جوامع مختلف شده است.

1. William F. Ogburn

2. Clark Tibbitts

3. Schaefer

پارسونز^۱ معتقد است در جوامع صنعتی پیشرفته خانواده تقریباً تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و به خانواده‌ای منزوی تبدیل شده است. در عین حال سایر کارکردهای خانواده مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیت، خدماتی، محافظتی و... به نهادها و سازمان‌های دیگر اجتماعی مانند شرکت‌ها، کارخانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و... واگذار شده است (اعزازی، ۱۳۷۶). آزاد ارمکی معتقد است در دوره جدید خانواده با جامعه رابطه‌ای تعامل‌گرایانه پیدا کرده است و هرچند بسیاری از کارکردهای اساسی خود را کاملاً از دست داده یا کارکردها دچار کاهش شده‌اند، ولی هنوز کارکردهای بسیار مهمی نظیر تولیدمثل، تربیت فرزندان، حمایت آموزشی و پرورشی از فرزندان، حمایت از پدران و مادران، مشارکت در ازدواج فرزندان، ایجاد حس مشارکت لازم در فرد، تنها قلمرو شناخته شده و قابل اعتماد زندگی، محلی برای بروز علایق و نیازها، محل استراحت و رفع خستگی انسان امروز و تحقق فردیت اجتماعی دارد (مشگی، ۱۳۹۱، به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

شاید اولین اثر مدرنیته بر نهاد خانواده تغییر ساختار گسترده آن به هسته‌ای بوده است، اما این ساختار جدید نیز به تدریج، متناسب با الزامات و مقتضیات جامعه مدرن، دچار تحولاتی شده است که وضعیت آن را از شرایط چند دهه گذشته به کلی متمایز کرده است. وضعیت جدید به سست شدن پیوندهای خانوادگی، روابط عاری از قدرت در درون خانواده، کاهش پایداری خانواده، کم‌توان شدن هنجارهای خانوادگی در کنترل و سامان بخشی به رفتارها و روابط اعضای خانواده، تضعیف روابط عاطفی میان اعضای خانواده، درهم ریختن نظام سنتی، تقسیم نقش‌ها بدون جایگزینی و مقبولیت یافتن نظامی نوین و کارآمد و بروز بسیاری عوارض و پدیده‌ها منجر شده است که رصد دائمی آثار و آسیب‌های احتمالی ناشی از این تحولات را گریزناپذیر می‌کند (جمشیدیها، صادقی فسایی و لولآور، ۱۳۹۲).

۳. تحولات بینشی و ارزشی خانواده

بدیهی است نمی‌توان تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده را جدای از تغییرات بینشی و ارزشی افراد جامعه دید. ارزش‌ها نقشی اساسی در تبیین، کنترل، هدایت و پیش‌بینی کنش‌های افراد ایفا می‌کنند و شیوه جهت‌گیری، کنش و تعامل آن‌ها را نسبت به سایر افراد تعیین و هدایت می‌کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹). ارزش‌ها، به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر فرهنگی، بر انتخاب شیوه‌ها، وسایل و اهداف موجود برای کنش اثر می‌گذارند (چلبی، ۱۳۸۳). در دهه‌های اخیر، با تغییر در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی همچون صنعتی شدن، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش میزان تحرك

اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و کاربرد فناوری‌های نوین ارتباطی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، زمینه مساعدی برای بروز تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده ایرانی به وجود آمده است، به طوری که ارزش‌های والدین، به علت تجربه شرایط اجتماعی و اقتصادی ویژه دوران جنگ و قبل از آن، با ارزش‌های جوانانی که آن شرایط را تجربه نکرده‌اند و در شرایط اجتماعی و اقتصادی مساعد و بهتری پرورش یافته‌اند تفاوت‌هایی دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹). درمورد نگرش جوانان به معاشرت‌های پیش از ازدواج با جنس مخالف، مطابق با یافته‌های پژوهش پیمایشی احمدنیا و مهریار (۱۳۸۳) با نمونه‌ای شامل ۷۳۱ پسر و ۷۲۰ دختر شاغل به تحصیل در سال‌های اول تا سوم دبیرستان و هنرستان در سطح شهر تهران، حدود ۹۵ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق معاشرت پیش از ازدواج با همسر آینده برای آشنایی با خصوصیات او بودند.

در گذشته، فرهنگ عمومی بسیاری از جوامع چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج را قبیح می‌دانستند و آشکار شدن آن به رسوایی بزرگی تبدیل می‌شد؛ یا طلاق بسیار نکوهیده و در برخی جوامع ناممکن تلقی می‌شد. اما در برخی از همین جوامع در عصر حاضر برخی از تابوها شکسته شده، تا آنجا که نگرش‌ها به ارزش بکارت دختران هنگام ازدواج نیز تغییر کرده است. در ایران نیز نگرش‌ها نسبت به تحصیلات و اشتغال زنان، آشنایی دختر و پسر برای تشکیل خانواده، سن ازدواج، میزان فرزندآوری و... تغییر و تحولات عمیقی کرده است (احمدنیا، ۱۳۹۲، به نقل از بستان و همکاران، ۱۳۸۸). شکاف نسلی موجود در نگرش‌ها، عقاید، علایق، نوع زندگی و ارتباطات اجتماعی نسل‌های متوالی، تفاوت در نحوه گذران اوقات فراغت، دل‌بستگی به جذابیت‌ها و ظواهر فریبنده زندگی و بسیاری از رفتارهای زوج‌های امروزی از جمله نشانه‌هایی هستند که به تغییرات بینشی و گرایشی خانواده‌های امروزی اشاره دارند.

۴. تغییرات در سبک زندگی خانواده

سبک زندگی نوعی انتخاب است از میان تعداد بی‌شمار امکان‌های موجود و، در عمل، از نسل گذشته دریافت نمی‌شود، بلکه پذیرفته می‌شود. سبک‌های زندگی به صورت روزمره درمی‌آیند و عملکردهایی را که در نوع‌گزینش، نوع زندگی، نحوه ارتباطات، برخورد و روابط میان فردی، امرار معاش و... حاصل می‌کنند متبلور می‌کنند. گلاپیتیس^۱ سبک زندگی را

مترادف همه فعالیت‌های فردی می‌داند و کریستین سن^۱ شیوه‌ای را که بدان طریق زندگی می‌کنیم سبک زندگی می‌خواند (رضایی، ۱۳۹۶). در پژوهش پیش رو، با توجه به اینکه موضوع اصلی پژوهش کنکاش سبک زندگی و تشریح جزئیات آن نیست، برای شناسایی تغییرات صورت‌گرفته در سبک زندگی خانواده ایرانی ابتدا مؤلفه‌های سبک زندگی خانواده شناسایی شده‌اند و سپس روند تغییرات در برخی از این مؤلفه‌ها بررسی شده‌اند.

سوبل^۲ بر الگوی مصرف به‌عنوان قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی تأکید می‌کند. لامونت^۳ و همکارانش نیز، ضمن تأکید بر شیوه سازمان‌دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی می‌دانند. زابلکی و کانتر^۴ رفتار افراد در خانواده را به‌منزله شاخص سبک زندگی معرفی کرده‌اند (رضایی، ۱۳۹۶). چاپین^۵ و اسول^۶ به محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق نشیمن و دیگر جلوه‌های عینی شأن و منزلت اشاره کرده‌اند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). هوتن^۷ عناصر سبک زندگی را در خانواده چنین توصیف می‌کند: اثاثیه، اشیای هنری، انواع لباس پوشیدن‌ها، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و مشروبات، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه (چه در کلمات و گرامر، چه در عناوین گفت‌وگوها)، نوع گذران اوقات فراغت، بودجه‌بندی، روابط با فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک، تراکم جمعیت ساکن در خانه و محل، نوع و ویژگی‌های اشتغال (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، به نقل از مک‌کی^۸، ۱۹۶۹).

در خصوص خانواده، براین سبک زندگی اعضای خانواده مشخص‌کننده سبک زندگی خانواده است. در چند دهه پیش، خانواده‌ها عامل اصلی تشکیل پیوند میان زوج بودند و رسم و رسومات پیشینیان یک قوم تعیین‌کننده نحوه آشنایی و ایجاد پیوند میان جوانان بود، اما در عصر حاضر چه بسا در نقاط دور و محروم کشور پیوندی به سبک کاملاً غربی شکل می‌گیرد یا خانواده‌هایی هستند که، با وجود تمام مشکلات و گرفتاری‌های مالی‌ای که دارند، نحوه پوشش، نوع تغذیه و تفریحاتشان از سبکی خاص که نمایانگر خانواده اشرافی و زندگی تجملاتی است تبعیت می‌کند. مردم ایران خصوصاً نسل دوم و سوم به فرزندآوری چندان

1. Christensen
2. Sobel
3. Lamont
4. Zablky & kountertops
5. Chapin
6. Swell
7. Van Houten
8. Mckee

فکر نمی‌کنند، درحالی‌که در همین جامعه زمانی ۸ الی ۹ فرزند در یکی دو اتاق کوچک زندگی می‌کردند. اکنون طلاق پدیده‌ای ساده شده است و اهمیت ازدواج در حال کاهش است؛ سهولت در روابط جنسی خارج از خانواده و برابری جنسیتی شواهدی هستند که براساس آن‌ها می‌توان آینده جامعه را پیش‌بینی کرد. می‌توان صدای اتفاق بزرگی را شنید که در آینده با تفاوت نسل‌ها گره می‌خورد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹). تغییر در روابط خویشاوندی و خانوادگی، تفاوت در علایق، نوع زندگی و ارتباطات اجتماعی، رسانه‌ای شدن خانواده‌ها، تغییر در الگوی همسرگزینی، تغییر و تحول وضعیت زنان، مدگرایی و عرفی شدن برخی خانواده‌های ایرانی، فردگرایی، و صدها مورد دیگر را می‌توان از تحولات به‌وجودآمده در سبک زندگی خانواده برشمرد.

روش پژوهش

در این پژوهش شناسایی تغییرات صورت‌گرفته در خانواده ایرانی و پیشران‌های تأثیرگذار در ماهیت، ساختار، کارکرد و سبک زندگی خانواده‌های ایرانی مد نظر است. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر و نیروهای پیشران تغییرات خانواده در پژوهش پیش رو ابتدا با استفاده از منابع علمی داخلی و خارجی و مصاحبه‌های عمیق و سپس نظرسنجی از خبرگان این حوزه انجام شده است. مطالعه نیروهای پیشران در واقع تحلیل عمیق روند ساختار و سبک زندگی خانواده‌های ایرانی مسلمان در دوران گذشته و حال حاضر است که گام نخست آن تهیه فهرست اولیه و مقدماتی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خانواده است. در خصوص نیروهای پیشران دو نوع تحلیل صورت می‌پذیرد: تحلیل کمی و تحلیل عدم قطعیت. هدف از تحلیل عدم قطعیت نیروهای پیشران شناسایی نیروهای پیشرانی است که بیشترین عدم قطعیت‌ها را نسبت به آینده دربردارند و می‌توانند سیر حوادث را به گستره وسیعی رهنمون شوند. در این پژوهش، با توجه به این که هدف شناسایی پیشران‌های اصلی بوده نه اولویت‌بندی آن‌ها، فقط از تحلیل کمی استفاده شده است.

شناسایی مؤلفه‌ها و پیشران‌های تأثیرگذار بر تحولات مقوله خانواده

برخی از مؤلفه‌ها با مرور پژوهش‌های موجود در قالب کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات، چنان‌که به برخی از آن‌ها اشاره شد، قابل احصاء هستند. برخی دیگر نیز با مراجعه به منابع آماری رسمی و مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه قابل دریافت‌اند. مطابق با آمار رسمی، در برخی از منابع معتبر می‌توان برخی از تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده را به‌وضوح رصد کرد. افزایش سن ازدواج، روند نزولی فرزندآوری و کاهش بُعد خانواده، افزایش شهرنشینی، رشد

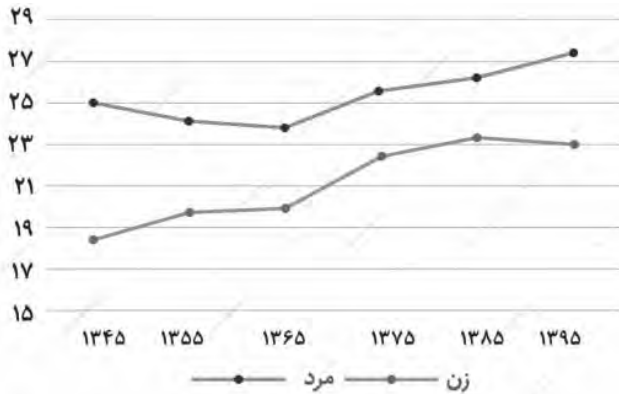
آمار طلاق، نرخ اشتغال زنان و... از جمله مواردی هستند که دست‌یابی به اطلاعات آماری آن‌ها طی چند دهه اخیر به راحتی امکان‌پذیر است.

در خصوص فراوانی ازدواج، هرچند روند نزولی در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود و مطابق با آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور کاهش ۱۹/۵ درصدی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ گزارش شده، اما بخشی از این تغییرات به علت تغییرات جمعیتی (افزایش موالید در دهه ۶۰) و کاهش جمعیت در معرض ازدواج در سال‌های اخیر است. تغییر و تحولی که در این خصوص وجود داشته بیشتر به افزایش سن ازدواج مربوط است. میانگین سن در اولین ازدواج یکی از شاخص‌های جمعیتی است که وضعیت ازدواج جامعه و تغییرات الگوهای ازدواجی را در گذر زمان نشان می‌دهد. افزایش میانگین این سن بیانگر تغییر الگوی سنی ازدواج و همچنین تغییر نگرش‌ها نسبت به خانواده و ازدواج در جامعه است.

در دهه‌های اخیر میانگین سن اولین ازدواج برای زنان افزایش یافته و از حدود ۱۸ سال در ۱۳۴۵ به بیش از ۲۳ سال در ۱۳۹۵ رسیده است. میانگین سنی نخستین ازدواج برای مردان در این مدت نسبت به زنان تغییر کمتری داشته و با نوساناتی در طول دوره از ۲۵ سال در ۱۳۴۵ به حدود ۲۷/۵ سال در ۱۳۹۵ رسیده است. به گزارش مرکز ملی آمار ایران، میانگین سن در اولین ازدواج طی ۵۰ سال اخیر (۱۳۹۵-۱۳۴۵) برای مردان ۲/۴ سال و برای زنان ۴/۷ سال افزایش یافته است. جدول ۱ تغییرات سن اولین ازدواج را به تفکیک مردان و زنان شهری و روستایی نشان می‌دهد.

جدول ۱. فراوانی مطلق و میزان خام ازدواج به تفکیک جنسیت و مناطق شهری و روستایی (مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۵)

سال	کل		شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۴۵	۲۵,۰۰	۱۸/۳۰	۲۵/۶۵	۱۸/۹۲	۲۴/۲۱	۱۷/۸۷
۱۳۵۵	۲۴/۲۴	۱۹/۹۵	۲۵/۱۰	۲۰/۲۰	۲۲/۷۰	۱۹/۱۰
۱۳۶۵	۲۳/۸۸	۲۰/۱۰	۲۴/۴۱	۲۰/۲۲	۲۲/۷۵	۱۹/۷۰
۱۳۷۵	۲۵/۱۷	۲۱/۹۳	۲۵/۷۱	۲۱/۹۱	۲۴/۲۱	۲۱/۹۹
۱۳۸۵	۲۶/۲۱	۲۳/۲۷	۶۲/۵۲	۲۳/۲۶	۲۵/۵۱	۳۶/۳۶
۱۳۹۵	۲۷/۴۱	۲۳/۰۳	۲۷/۷۶	۲۳/۴۳	۲۶/۵۰	۲۱/۹۶



شکل ۱. میانگین سن در اولین ازدواج به تفکیک جنسیت در کل کشور سال (مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۵)

یکی از مؤلفه‌های ساختار خانواده ابعاد آن است که در طول چند دهه گذشته شاهد کاهش چشمگیری در ابعاد خانواده‌ها بوده‌ایم. مطابق با جدول ۲، بُعد خانوار از ۵/۱۷ در سال ۱۳۷۰ به ۳/۳ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. هرچند مبنای سرشماری خانوار است و مفهوم آن در عمل با خانواده متفاوت است، اما به علت خانوادگی بودن اکثریت خانوارهای کشور تفاوت معناداری، البته در زمان کنونی، وجود ندارد.

جدول ۲. تعداد و بُعد خانوار با توجه به ابعاد جمعیت ایران در مقاطع زمانی مختلف از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

سال	تعداد خانوار	جمعیت کل کشور	بعد خانوار
۱۳۵۵	۶۷۱۱۶۲۸	۳۳۷۰۸۷۴۴	۵/۲
۱۳۶۵	۹۶۷۳۹۳۱	۴۹۴۴۵۰۱۰	۵/۱۱
۱۳۷۰	۱۰۷۸۷۲۲۷	۵۵۸۳۷۱۶۳	۵/۱۷
۱۳۵۷	۱۲۳۹۸۲۳۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۴/۸۴
۱۳۵۸	۱۷۳۵۲۶۸۶	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴/۳
۱۳۹۰	۲۱۱۸۵۰۰۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۳/۵
۱۳۹۵	۲۴۱۸۵۱۳۳	۷۹۹۲۶۲۷۰	۳/۳

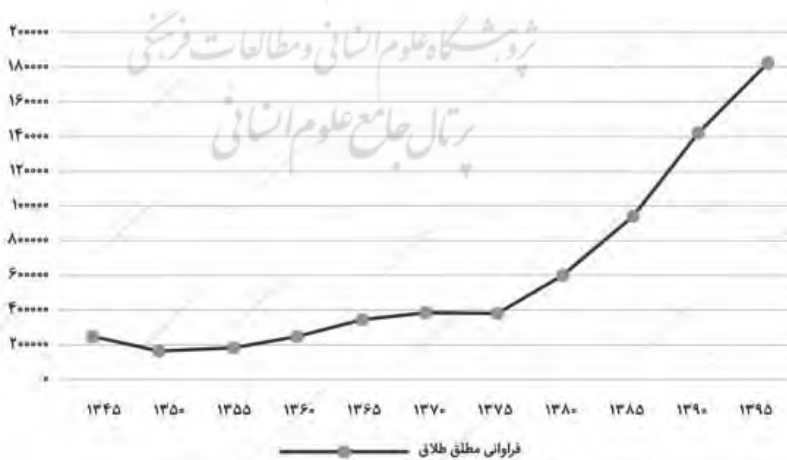
برخلاف گذشته که فرزند راز اصلی بقای خانواده بود و عدم فرزندآوری زن ممکن بود به طلاق بینجامد، در دوره جدید فرزندآوری اولویت نخست نیست، بلکه سازگاری طرفین اهمیت بیشتری یافته است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵).

در جامعه ایران آمار طلاق - خصوصاً در نقاط شهری (به‌ویژه تهران) - در حال افزایش است. براساس آمار ثبت احوال کشور در سال ۱۳۷۲ از هر ۱۰ ازدواج، یکی به طلاق منجر می‌شد. این میزان

در سال ۱۳۸۵ به ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۹۳ به ۱۵ طلاق در هر ۱۰۰ ازدواج رسیده و نکته قابل تأمل اینکه در استان تهران و البرز ۳۳ درصد است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵). مطابق با جدول ۳ فراوانی مطلق طلاق با وجود افت و خیزهایی در کل افزایش یافته و روند صعودی آن کاملاً مشهود است. هر چند می‌توان مقداری از این افزایش را مرتبط با روند صعودی جمعیت در معرض طلاق دانست و بخشی از این افزایش را توجیه کرد، اما این روند بیش از حد انتظار صعودی بوده که نشئت گرفته از عوامل متعددی همچون کاهش قبح طلاق، تغییر نگرش جوانان برای لذت بردن از زندگی و... است.

جدول ۳. تغییرات بین دوره‌های طلاق ثبت شده طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۵ (سازمان ثبت احوال کشور)

سال	تغییرات بین دوره‌های طلاق	
	تعداد طلاق ثبت شده	نسبی
۱۳۴۵	۲۴۸۲۳	-
۱۳۵۰	۱۶۲۹۵	-۳۴/۳
۱۳۵۵	۱۸۰۲۱	۱۰/۶
۱۳۶۰	۲۴۴۲۳	۳۵/۵
۱۳۶۵	۳۵۲۱۱	۴۴/۲
۱۳۷۰	۳۹۳۳۶	۱۱/۷
۱۳۷۵	۳۷۸۱۷	-۳/۹
۱۳۸۰	۶۰۵۰۰	۶۰
۱۳۸۵	۹۴۰۳۹	۵۵/۴
۱۳۹۰	۱۴۲۸۴۱	۵۲
۱۳۹۵	۱۸۱۰۴۹	۲۶/۸



شکل ۲. فراوانی طلاق در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۵ (سازمان ثبت احوال کشور)

زیبایی نژاد در مقاله‌ای با عنوان «بازتولید خانواده ایرانی» مهم‌ترین تغییرات در مقوله خانواده را تغییر شبکه ارتباطی، دگرگونی‌های جنسیتی، تحولات ازدواج و طلاق، عرفی‌گرایی و رسانه‌ای شدن خانواده می‌داند. به باور او، فردگرا و فردمحور شدن ارتباطات، تقلیل نقش والدین در فرایند ازدواج فرزندان از هدایتگری و نظارت به حمایت اقتصادی، غلبه ادراک‌ها، کاهش اقتدار مرد و زنانه شدن برخی از گرایش‌ها در خانواده، تمایل زنان امروزی به تسخیر پست‌های مدیریتی، افزایش سن ازدواج، افزایش رشد طلاق، تضعیف تأثیر دین در تصمیم‌گیری‌های خانواده، کاهش اطاعت‌پذیری فرزندان از والدین، کاهش مسئولیت‌پذیری سرپرست خانواده، کاهش تمکین همسر، کاهش اهتمام به کسب درآمد از راه‌های حلال، کم‌رنگ شدن حریم‌ها در روابط دوستانه و طایفه‌ای و افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون خواندن صیغه، که نشانه‌هایی از عرفی‌گرایی است، از مهم‌ترین تغییرات این حوزه به شمار می‌روند (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸).

جهانی شدن و جهانی سازی نه تنها به مهم‌ترین شاخصه عصر ما تبدیل شده، بلکه به نظر می‌رسد که در سرنوشت ما نقشی تعیین‌کننده دارد و در عرصه اجتماعی به تغییر مفهوم روابط اجتماعی، عادات، روابط فامیلی، سازمان‌های اجتماعی، رفتار اجتماعی، الگوهای مصرف و شیوه زندگی منجر شده است و تمامی زوایای زندگی روزمره نظیر ارزش‌های خانوادگی، ازدواج، جنسیت و... را نیز تحت تأثیر قرار داده است (پایدار، ۱۳۸۴). پدیده جهانی شدن از طریق رشد دادن فردیت و وارد کردن زنان به فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج از منزل، تقویت استقلال اقتصادی افراد و به تبع آن کاهش بردباری آنان نسبت به یکدیگر، شناخت و تثبیت و افزایش حقوق زنان، قانونی کردن حق طلاق، شهرنشین، خشونت خانوادگی، اشتغال زنان و پیامدهای آن، مهاجرت از روستا به شهر، تحرک اجتماعی و اقتصادی و محلی بیشتر و کاهش نفوذ مرد در خانواده و بسیاری از عوامل دیگر بر ساختار نهاد خانواده و سبک زندگی زنان تأثیر گذاشته است (بااوش، بااوش و حکیمی، ۱۳۹۵).

با مشاهده جریان‌های فرهنگی و تغییرات روی داده در جوامع غربی به سهولت می‌توان دریافت که، با تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها و هنجارها در خصوص زندگی خانوادگی، میزان باروری، سن باروری و موالید خارج از ازدواج تغییرات زیادی کرده‌اند. برخی از صاحب‌نظران این تحولات فکری و اندیشه‌ای را از لوازم توسعه‌یافتگی برشمرده‌اند و معتقدند هر کشوری که بخواهد راه توسعه را در پیش بگیرد ناگزیر دچار این‌گونه تغییرات خواهد شد. لذا جریان‌هایی همچون سکولاریسم و فمینیسم، که یکی فردگرایی لذت‌گرایانه و دیگری از بین رفتن تبعیض جنسیتی و آزادی زنان از یوغ ستم مردان را تبلیغ می‌کند، با تأثیرگذاری بر ارزش‌ها و اعتقادات افراد بشر، نقشی تعیین‌کننده در تحولات خانواده ایفا می‌کنند. عنوانی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود

با عنوان «سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت»، شهرنشینی سکولارمآبانه، تشویق به تجرد، عادی‌سازی طلاق، برهنگی و گسترش فحشا، و اشتغال زنان را از مؤلفه‌های محوری سکولاریسم معرفی کرده و نقش آن‌ها را در کاهش جمعیت مؤثر برمی‌شمارد.

مطالبی که در خصوص تغییرات و تحولات بینشی، ساختاری، کارکردی و رفتاری خانواده تدوین شده‌اند به چند روند مهم اشاره می‌کنند و منشأ تمامی تحولات و تغییرات مقوله خانواده را متأثر از تعداد محدودی از عوامل ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از جهانی شدن به‌ویژه در حوزه ارتباطات؛ رشد استفاده از رسانه‌های نوین؛ روند شتابان علم و فناوری؛ ظهور جریان‌های سکولاریستی، لیبرالیستی، فمینیستی و دیگر نحله‌های فکری و تبلیغ و گسترش این افکار و ارزش‌ها به واسطه انجمن‌ها و جمعیت‌های فعال به وجود آمده؛ شهرنشینی؛ تشویق به تنظیم خانواده؛ افزایش میزان دانش بشری؛ گسترش دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ و کوچک؛ مهاجرت‌های دائمی و موقت برای تحصیل یا اشتغال؛ تغییرات اساسی در مشاغل و ساعات کاری؛ تجملاتی و تشریفاتی شدن زندگی‌ها و مراسمات؛ محول شدن برخی از کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی؛ خروج منابع معنابخش به زندگی از دست دین و سنت؛ عرفی شدن و فاصله گرفتن از شریعت و بندگی؛ به وجود آمدن خرده فرهنگ‌های متنوع؛ گسترش حضور زنان در عرصه‌های علمی، اجتماعی و حتی سیاسی و رشد اشتغال آن‌ها و... این عوامل عمدتاً در جهت مدرن شدن خانواده‌ها بوده‌اند و باید توجه داشت در کشوری مانند ایران نیروها و عوامل دیگری نیز وجود دارند که در جهت تحکیم بنیان خانواده و حفظ آن تلاش می‌کنند. مثلاً می‌توان به نقش مذهب و تعالیم دینی، فعالیت مبلغان در جهت آگاهی بخشی به مردم در جلسات مذهبی به‌ویژه در مناسبت‌های خاص مانند محرم و صفر، برخی از قوانین موجود در راستای تحکیم خانواده، نگرش منفی اکثریت جامعه نسبت به روابط جنسی خارج از ازدواج و نکوهش آن، برخی از آداب و رسوم و سنت‌های رایج پسندیده در خصوص تشکیل خانواده و موقعیت‌های بعدی زندگی مشترک و... اشاره کرد.

در خصوص شناسایی مؤلفه‌های کلیدی تغییرات در مقوله خانواده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود و طی مصاحبه با چند نفر از استادان مطرح حوزه و دانشگاه نظیر حجج الاسلام زیبایی‌نژاد، بستان، سالاری‌فر و... و آقایان دکتر احمدی، حاجیانی، بانکی و... حدود ۱۵۰ مؤلفه به دست آمد. این موارد با مشورت با چهار تن از آینده‌پژوهان حوزه‌های فرهنگی اجتماعی و با حذف و تجمیع برخی از موارد به ۱۰۰ مورد کاهش یافت. سپس این مؤلفه‌ها در شاخه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناوریانه (براساس مدل PEST) دسته‌بندی شدند. این ۱۰۰ مورد به لحاظ ویژگی‌های موردنظر در ۱۵ دسته تقسیم‌بندی شدند که مطابق با جدول ۴ است.

جدول ۴. دسته‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحولات مقوله خانواده

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
	مصرف روزافزون سریال‌های ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های مجازی	۱	متکثرشدن مرجعیت
	جایگزینی نقش برخی از رسانه‌های مجازی ارتباطی مانند تلگرام با رسانه‌هایی همچون روزنامه، صداوسیما و...		
	تأسی خانواده‌ها از سبک‌های زندگی مدرن نمایش داده شده در فیلم‌ها، کلیپ‌ها و سریال‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و سینمایی (رسوخ رسانه در بطن زندگی خانواده‌ها)		
	پیدایش هویت چهل تکه (جمع ارزش‌های ضدونقیض در افراد)		
	کاهش محبوبیت و مرجعیت علمای دینی به‌ویژه در نظر نسل جدید		
اجتماعی	تغییر در مناسبات توزیع قدرت در خانواده (افول قوامیت مردان)	۲	تغییر کارکردهای خانواده و نقش اعضای آن
	فرزندمحوری		
	تغییر نگرش نسبت به جنسیت فرزند (کاهش تعصب نسبت به ذکور بودن فرزند)		
	محول شدن کارکردهای خانواده به نهادهای اجتماعی		
	کاهش تمایل به فرزندآوری (کوچک شدن ابعاد خانواده)		
	افول نقش کنترلی و نظارتی والدین		
	هسته‌ای شدن خانواده‌ها (عدم پذیرش زندگی در کنار والدین از سوی زوجین و برعکس)		
	کاهش ارتباطات کلامی میان اعضای خانواده به علت تأثیرات دنیای مجازی		
	تغییر نگرش در مورد نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زن و شوهر		
	تغییر در سبک طراحی، ابعاد و نقشه ساختمان‌های مسکونی		
سیاست‌های مداخله‌گرایانه دولت در خانواده			

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
اجتماعی	تغییر مناسبات نظام خویشاوندی (ترک صلہ رحم و بی تفاوتی نسبت به مشکلات خانوادگی، معیشتی و عقیدتی اقوام)	۲	تغییر کارکردهای خانواده و نقش اعضای آن
	کاهش تمایل به فرزندآوری (کوچک شدن ابعاد خانواده)	۳	فردمحوری
	هسته‌ای شدن خانواده‌ها (عدم پذیرش زندگی در کنار والدین از سوی زوجین و برعکس)		
	آزادی در انتخاب همسر (فردگرایانه شدن ازدواج)		
	روی‌آوری جوانان به تفرد (زندگی مجردی)		
	شخصی سازی رسانه		
	تغییر موازنه مسئولیت اقتصادی در خانواده (از میان رفتن نقش انحصاری مرد در تأمین معیشت خانواده)	۴	زندگی سکولار (تجددگرایی، دنیاگرایی و لذت طلبی)
	شکاف بین نسلی در طرز تفکر و اعتقادات (تغییر در آرمان‌ها، باورها، ارزش‌ها، علایق و مطالبات نسل جدید)		
	رشد آزادی خواهی‌های مخالف با شریعت		
	تغییر مفهوم خوشبختی و سعادت در زندگی		
کم ارزش شمردن وظایف خانه‌داری و مادری			
شکسته شدن حریم میان نامحرمان (رواج یافتن اختلاط دختر و پسر و تیز زن یا مرد متأهل با افراد نامحرم حتی در جمع‌های خانوادگی)			
افزایش آگاهی‌های جنسی و افزایش توقعات (خارج از چارچوب شرعی) ارضای نیاز جنسی			
از بین رفتن قبح طلاق			
کاهش حساسیت مردان به وضع پوشش و مراودات همسران و فرزندان	نرخ مسافرت به کشورهای اروپایی و مناطق خوش‌گذرانی		

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
اجتماعی	تغییر ارزش‌های دینی و گرایش به مادیات (اهمیت یافتن ارزش‌های اقتصادی و علمی به جای ارزش‌های اجتماعی و مذهبی به‌ویژه نزد نسل جدید)	۴	زندگی سکولار (تجددگرایی، دنیاگرایی و لذت‌طلبی)
	افزایش تنوع‌طلبی و لذت‌جویی		
	کاهش قبح گناه (عرفی شدن برخی از رفتارها و روابط)		
	کاهش قبح زندگی مجردی		
	رواج فرهنگ برهنگی و افزایش ابتذال		
	کم‌رنگ شدن غیرت دینی و ناموسی		
	بلوغ زودرس (آشنایی زودهنگام کودکان با مسائل جنسی از طریق تماشای ماهواره، تصاویر و هرزه‌نگاری، وضع پوشش امروزی زنان و...)		
	مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در کنار نابرابری اجتماعی		
	بی‌تفاوتی اجتماعی (ترک امر به معروف و نهی از منکر)		
	کم‌ارزش شدن کسب روزی حلال و رواج ربا و... سیستم‌های اقتصادی فاسد (ازدیاد ورود مال شبهه‌ناک و حرام به معیشت مردم)		
اجتماعی	ورود زنان به مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه (افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان)	۵	استقلال مالی و هویتی زنان با مشارکت در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (ارزشمند شدن ابعاد غیرخانوادگی حیات اجتماعی برای زنان)
	احساس کسب منزلت و هویت با تحصیلات عالی و اشتغال برای زنان		
	اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها		
	ورود زنان به عرصه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی		
اجتماعی	افزایش سن ازدواج و کاهش طول دوران باروری	۶	پیدایش گزینه‌های بدیل ازدواج (از اولویت خارج شدن ازدواج)
	افزایش هزینه‌های ازدواج		
	تغییر نگرش جوانان نسبت به شرایط، سن و اصل ازدواج		

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
اجتماعی	سهولت ارضای نیاز جنسی و عاطفی خارج از خانواده (شیوع روابط جنسی آسان‌گیرانه و غیرمتعهدانه و ارتباطات خارج از پیوند زناشویی)	۶	پیدایش گزینه‌های بدیل ازدواج (از اولویت خارج شدن ازدواج)
	تغییر انگیزه جوانان برای ازدواج		
	وجود رسوم دست‌وپاگیر و غلط در تشکیل خانواده		
	افزایش زنان مجرد قطعی		
	گسترش فرصت‌های تحصیلی و سهولت ورود همگان به سطوح آموزش عالی (تمایل افراد به ادامه تحصیل تا سطوح عالی)		
	پیشی گرفتن دختران در ورود به دانشگاه و رشد آن‌ها در ورود به مقاطع تحصیلی عالی		
اجتماعی	بروز اشکال جدید خانواده در غرب و تأثیرپذیری جامعه ایرانی از سبک زندگی غربی		
	خروج ازدواج از مدار هنجاری	۷	ازدواج‌های غیرمنطقی (عشق‌های سیال، زودگذر، هوس‌گونه و بی‌پایه و اساس)
	رشد آمار درخواست طلاق		
رشد آمار طلاق‌های توافقی			
اجتماعی	رشد امکانات بهداشتی، بهبود شاخص‌های سلامت و افزایش طول عمر	۸	افزایش سالمندان
	فراگیری رفتارهای ناهنجار مانند پرخاشگری، کم‌حوصلگی و... به ویژه در جوانان	۹	اشتغال، معیشت و اقتصاد خانواده
رشد بیکاری			
روی‌آوری جوانان به مواد مخدر و روان‌گردان			
مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در کنار نابرابری اجتماعی			
فشارهای اقتصادی و مالی بر اقشار کم‌درآمد			
کاهش توان مالی برای خرید خانه‌ای مناسب (آپارتمان نشینی)			
فناورانه	رشد و گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین (دیجیتالی شدن زندگی)	۱۰	رشد و توسعه فناوری‌های ارتباطی (زندگی مجازی و هویت‌های چندگانه)
	توسعه وسایل ارتباطی و همگانی شدن آن (گسترش ارتباطات اعضای خانواده با دنیا)		
	امکان زندگی دلخواه و انتخابی در دنیای مجازی (ساخت هویت‌های مجازی جدید)		

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
	رسانه‌ای شدن (هزینه‌کردن برای جلب توجه و کسب منزلت)	۱۰	رشد و توسعه فناوری‌های ارتباطی (زندگی مجازی و هویت‌های چندگانه)
	بلوغ زودرس (آشنایی زود هنگام کودکان با مسائل جنسی با تماشای ماهواره، تصاویر و هرزه‌نگاری، وضع پوشش امروزی زنان و...)		
فناورانه	پیشرفت در حوزه علوم ژنتیک و فناوری‌های جدید تولیدمثل یا جلوگیری از آن	۱۱	رشد و توسعه فناوری‌های زیستی و تولیدمثل
	تلاش دانشمندان در زمینه تولیدریات انسان نما (زمرمه امکان ازدواج انسان با ریبات در آینده)		
	روش‌های جدید فرزندآوری (مانند باروری مساعدتی)		
	تلاش دانشمندان برای ایجاد تغییرات ژنتیکی در خصوص جنسیت، شخصیت و... نسل آینده		
	تلاش دانشمندان برای تشکیل جنین و تولد فرزندان آینده در خارج از رحم مادران		
فرهنگی	بروز اشکال جدید خانواده در غرب و تأثیرپذیری جامعه ایرانی از سبک زندگی غربی	۱۲	گرایش به مظاهر مادی زندگی مدرن (عرفی‌گرایی، تفکر سکولار، فردمحوری و...)
	رشد و گسترش مدرنیته		
	جهانی‌شدن و تجددگرایی		
	پذیرش مدرنیته و انفعال در مقابل آن		
	گسترش تفکرات امانیستی و ترویج سکولاریسم		
	الگوگیری از سبک زندگی غربی (فریفته غرب شدن)		
	تغییر در سبک پوشش به ویژه پوشش بانوان		
	روند شهرنشینی، غیربومی‌شدن محله‌ها و گسترش حاشیه‌نشینی		
	تغییر در الگوی مصرف رسانه		
	افزایش میزان توجه به بدن (افزایش جذابیت ظاهری افراد، مُدگرایی)		
رونق صنایع جنسی، تجارت سکس و هرزه‌نگاری			
مصرف‌گرایی، رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی در برخی از خانواده‌ها (با تظاهر به این موارد در خانواده‌های متوسط و ضعیف)، تشریفاتی و پُرخرج شدن مراسم			

نوع مؤلفه	عنوان مؤلفه‌های کلیدی	ردیف	مؤلفه‌های تجمیع شده
فرهنگی	مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی در کنار نابرابری اجتماعی	۱۲	گرایش به مظاهر مادی زندگی مدرن (عرفی‌گرایی، تفکر سکولار، فردمحوری و...) (۰۰۰)
	سیستم‌های اقتصادی فاسد (ازدیاد ورود مال شبه‌ناک و حرام به معیشت مردم)		
سیاسی	مناسبات نظام سرمایه‌داری و برنامه‌های توسعه کشورهای استعمارگر	۱۳	هجمه فرهنگی دشمنان
	دشمنی برخی جوامع با جمهوری اسلامی ایران (تلاش برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی خانواده‌ها)		
	تبلیغ سبک زندگی دینی متفاوت با آموزه‌های اسلام (فعالیت اقلیت‌های دینی برای جذب پیروان و بیدایش عرفان‌های نوظهور)		
سیاسی	جریان‌های روشن‌فکری دفاع از حقوق زنان مانند جریان‌ها و تفکرات فمینیستی در جهان و ایران یا جنبش حقوق زنان	۱۴	مجامع و جریان‌های تندروی دفاع از حقوق زنان
	یکسان‌خواهی بانوان		
	فشار به سیاست‌گذاران و دستگاه قضایی جهت تعدیل برخی از قوانین مربوط به حقوق زنان		
سیاسی	شکل‌گیری تشکل‌های مردمی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های رسمی دائم یا غیررسمی موقت برای حل مسائل یا جریان‌سازی	۱۵	تلاش نهادهای خصوصی و دولتی برای حفظ و حمایت از بنیان خانواده
	اختلافات درون‌حاکمیتی و جناحی در خصوص نحوه برخورد با مسائل فرهنگی (نگاه‌ها و دیدگاه‌های مختلف مدیران و متولیان حوزه فرهنگ به خانواده)		
	حساس شدن مسؤولان و سیاست‌گذاران به مقوله خانواده و عزم برای حل مسائل آن		

پیشرانی برای تحولات آتی مطرح هستند. در این پژوهش، نمونه آماری مصاحبه‌شوندگان هدفمند و با روش نمونه‌گیری همگون حاصل شد. در نظرسنجی‌ها از نظر متخصصان رشته آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسان با مطالعات تخصصی در حوزه خانواده، روان‌شناسان آگاه به مسائل خانواده، مشاوران خانواده و کارشناسان دینی حوزه خانواده بهره گرفتیم.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییر و تحول در صورتی که در مسیر اصلی خود شکل بگیرد از نشانه‌های حیات و لازمه زندگی است و اگر خارج از قاعده و در خلاف جهت فطری باشد عامل انحراف و خسران خواهد بود. شکل‌گیری خانواده و توسعه و از بین رفتن آن همراه با زایش خانواده‌های نوپا از درون آن و مرگ کهن‌سالان روند طبیعی و سنت الهی است. اگر خانواده را همچون سلولی در نظر بگیریم، همان‌گونه که مرگ و زایش طبیعی سلول‌ها به حیات بدن و استمرار زندگی کمک می‌کند و همچنان که مرگ ناگهانی و غیرطبیعی سلول‌ها ضایعه‌ای برای بدن است، خانواده‌ها نیز اگر زمانی که باید با گرمای فوق‌العاده به حیات خود ادامه دهند به صورت غیرمنتظره دچار بحران شوند یا از هم فروپاشند، در جامعه اثراتی منفی را به جای می‌گذارند.

کشور در حال توسعه ایران، همچون بسیاری از کشورهای دیگر، در مواجهه با مدرنیته و توسعه و پیشرفت‌های جوامع غربی قرار گرفته است. خانواده‌های ایرانی، که عموماً مسلمان و شیعه هستند، در این مواجهه برخی از ارزش‌ها و نگرش‌هایشان تغییر یافته و همین تغییرات موجب پیدایش سبک‌های جدیدی در زندگی‌شان شده است، تا جایی که برخی از این رفتارها تعارض‌هایی جدی با اصول دین اسلام دارند. در این پژوهش، با رصد پژوهش‌ها و بررسی آمار و اطلاعات موجود و نظرسنجی از خبرگان، تغییرات خانواده ایرانی طی چند دهه اخیر شناسایی شدند و پیشران‌های مرتبط معرفی شدند. ابتدا متغیرهای خانواده در چهار دسته شامل ماهیت و ساختار، کارکردها، ارزش‌ها و بینش‌ها، و سبک زندگی خانواده مشخص شدند. سپس با توجه به منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان این حوزه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحولات آتی طی چند مرحله مشخص شدند. برخی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحولات حوزه خانواده هم از لحاظ شدت تأثیرگذاری و هم از نظر عدم قطعیت نسبت به سایرین دارای اهمیت بیشتری بودند. این‌ها همان نیروهای عمده شکل‌دهنده تغییرات آینده یا همان پیشران‌ها هستند. در این پژوهش نه مورد از پیشران‌های این حوزه شناسایی و ارائه شدند.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵). **تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی**. تهران: تیسرا.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی**. تهران: نشر علم.
- احمدنیا، شیرین و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۳). **نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهرانی در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده**. دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۱۹۷-۲۱۸.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بالوش، مهین و معصومه بالوش و فریبا حکیمی (۱۳۹۵). **بررسی تأثیرات جهانی‌شدن در تحولات ساختار خانواده و تغییر سبک زندگی زنان شهری**. تهران: شهرداری تهران.
- برناردز، جان (۱۳۸۴). **درآمدی به مطالعات خانواده**. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نی.
- بستان، حسین (۱۳۸۳). **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پایدار، فروزنده (۱۳۸۴). **تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و سهیلا صادقی فسایی و منصوره لولآور (۱۳۹۲). «نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران». **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۲: ۱۸۳-۱۹۸.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳). **چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**. تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حاجیان، ابراهیم و آریتا اخلاقی (۱۳۸۹). **آینده‌نگری تحولات ساختاری خانواده، همایش ملی آینده‌پژوهی مسائل خانواده در ایران**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حسینی، داوود (۱۳۸۸). «کارکرد خانواده از دیدگاه روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی». **ماهنامه معرفت**، شماره ۱۴۷: ۱۰۱۱۱۱.
- رضایی، علی (۱۳۹۶). **بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی اسلامی ایرانی اعضای تشکل‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- زمانیان، علی (۱۳۸۷). **تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). «بازتولید خانواده ایرانی». **دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ماهنامه**

حوراء، شماره ۳۱: ۳۱۸.

صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان منش (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی». **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۱: ۶۳-۸۴.

عنوانی، سید حامد (۱۳۹۲). «سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت». **ماهنامه معرفت**، شماره ۱۸۹: ۱۰۱-۱۱۶.

قاسمی، سجاد (۱۳۹۶). **آینده‌پژوهی مدیریت تحولات فرهنگی ایران در افق ده‌ساله با تأکید بر نهاد خانواده**، رساله دکتری در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۳). **خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی**. تهران: نشر علم.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور (۱۳۹۵). بازیابی شده در: <https://www.amar.org.ir>

مشگی، الناز (۱۳۹۱). «راهبردهای مقابله با چالش‌های فراروی کارکرد خانواده در عرصه جهانی شدن».

فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۴: ۱۸۰-۱۶۰.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱: ۱۹۹-۲۳۰.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷). **دین و سبک زندگی**. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).

نجفی رستاقی، حیدر و بشیر خالقی پور (۱۳۹۵). **آینده‌پژوهی ساختار خانواده با رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها با تأکید بر سطح گفتمانی**، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی.

Oecd (2008). **The Future of the Family to 2030**, A Scoping Report, Oecd International Futures Programme, Paris.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی